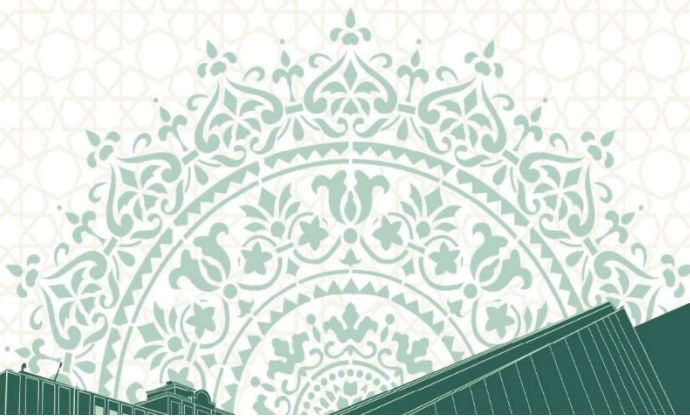
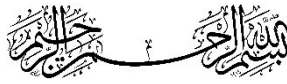


مجازات برهم زدن امنیت روانی  
در روزهای جنگ



مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی  
گروه فقه و حقوق / کارگروه فقه

عنوان:	مجازات برهم زدن امنیت روانی در روزهای جنگ
شماره ثبت لایحه/طرح:	-
نویسنده:	حجت الاسلام محمد متقیان تبریزی
ارزیاب علمی:	حجت الاسلام دکتر رضا پورصدقی
کارشناس مرکز:	سید محمدمهدی موسوی
شماره ثبت در مرکز:	۰۵/-/۲۱-۷۷۱
تاریخ انتشار:	بهار ۱۴۰۵



# مجازات برهم زدن امنیت روانی در روزهای جنگ

مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی

گروه فقه و حقوق / کارگروه فقه

بهار ۱۴۰۵



## فهرست

خلاصه مدیریتی .....	۷
مقدمه .....	۹
۱. مفهوم‌شناسی عنوان «إرجاف» .....	۱۲
۱.۱. عدم انحصار عنوان «إرجاف» در نقل خبر .....	۱۴
۱.۲. عدم انحصار عنوان «إرجاف» در موضوع جهاد .....	۱۴
۱.۳. قصدی بودن عنوان «إرجاف» .....	۱۵
۲. عناوین مرتبط .....	۱۸
۳. احکام فقهی ارجاف .....	۱۹
۴. شبهه انحصار حکم در عصر نبوی .....	۲۵
توصیه‌های سیاستی .....	۲۷
منابع .....	۲۹



## خلاصه مدیریتی

**بیان مسئله:** در شریعت اسلام برای برخی از جرائم مجازات‌هایی تعیین شده است. نوشتار حاضر درصدد تبیین فقهی این است که اخلال در امنیت روانی مردم - از جمله در زمان جنگ - حرمت شدید داشته و دارای عقوبت و مجازات مشخصی است.

**اهمیت و هدف:** با توجه به اینکه حفظ امنیت روانی مردم در روزهای جنگ اهمیت فراوانی دارد، هدف این پژوهش این است که براساس فقه شیعه مجازات برهم زندگان امنیت روانی مردم را بیان کنند تا کارگزاران نظام براساس مبانی فقهی در این مورد تصمیم‌گیری نمایند.

**ساختار:** در ابتدا، مفهوم شناسی عنوان «إرجاف» مطرح شده، سپس قصدی یا واقعی بودن آن تبیین گردیده و به‌عنوان مرتبط «تخذیل» اشاره شده و در نهایت احکام فقهی و مجازات‌هایی که در آیه شریفه «إرجاف» وارد شده است استنباط می‌شود.

**یافته‌ها:** عنوان «إرجاف» به معنای اخلال در امنیت روانی مردم بوده و دامنه مفهومی وسیعی دارد. این عنوان از عناوین قصديه است و صرفِ برهم خوردن امنیت روانی در خارج به معنای تحقق این عنوان نیست. لذا، مجازات‌هایی که در آیه مربوطه برای آن در نظر گرفته شده است (نفی بلد و قتل) فقط در جایی که شخص مُرجف، قصد برهم زدن امنیت روانی مردم را داشته باشد، مترتب می‌شود.

**توصیه‌های سیاستی:** امنیت روانی، از جمله حقوق عامه‌ای است که ضرورت دارد حاکمیت برای تأمین آن اهتمام ویژه‌ای بورزد. برخی از مواردی که از مصادیق اخلال در امنیت روانی مردم هستند، در قوانین آمده است، اما دامنه «إرجاف» وسیع‌تر از این عناوین بوده و شامل تحلیل‌ها و نظرات کارشناسی نیز می‌شود. پس، ضرورت دارد برای تقنین در این حوزه چاره‌اندیشی شود.

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین ویژگی یک جامعه سالم، برخورداری از «امنیت روانی» است. این امکان، در روزهای جنگ اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. به گونه‌ای که یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌هایی که متوجه حاکمیت بوده و ضرورت دارد که برای محافظت از امنیت روانی مردم و تقویت آن چاره‌ای اندیشیده شود، مقابله با کسانی است که امنیت روانی مردم را نشانه رفته و در آن اخلال ایجاد می‌کنند. حال سؤال این است که آیا در شریعت مقدسه به این موضوع توجه شده است؟ اگر آری، چه پیامدهایی برای کسانی که با اقدامات متعدد و متنوع، موجبات اخلال در امنیت روانی مردم را فراهم می‌کنند در نظر گرفته شده است؟ پرواضح است که این مسئله، هم برای شرایط جنگی و هم در حالت صلح و آتش‌بس اهمیت داشته و نباید قانون مجازات نسبت به آن ساکت بوده و تنبیهی برای افرادی که مرتکب اخلال در امنیت روانی مردم می‌شوند در نظر گرفته نشود.

این موضوع مهم در آیات قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است. در آیات ۶۰ و ۶۱ سوره مبارکه احزاب، به عنوان «إرجاف» توجه داده شده و برای آن مجازات بسیار سنگینی در نظر گرفته شده است: «لَنْ لَمْ يَنْتَه الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنْغَرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا. مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقْتَلُوا أُخْذُوا وَ قُتِلُوا تَقْتِيلًا؛ اگر منافقان و بیماردلان و کسانی که در شهر شایعه‌پراکنی می‌کنند، از عمل خود دست برندارند، هر آینه تو را بر علیه آنها می‌شورانیم، تا آنگاه که به جز زمان اندکی در مجاورت تو نباشند. آنها ملعون بوده و از رحمت الهی به‌دورند، هر جایی که به آنها دسترسی شود، بازداشت شده و به‌شدت به قتل می‌رسند».

متأسفانه، پیرامون این دو آیه و موضوع «ارجاف» بحث فقهی مستقل انجام نپذیرفته و پیشینه‌ای از آن در متون فقهی وجود ندارد. هرچند، برخی فقها به صورت پراکنده در برخی عبارات خود به این عنوان توجه داده‌اند، لیکن این گونه نیست که پرداخت مستقلی از آن صورت گرفته و آیه شریفه مربوط هم مورد بررسی فقهی قرار گرفته باشد. در تحقیقات معاصر نیز مقالات متعددی با استناد به آیه ارجاف نگاشته شده است: از جمله مقاله «جرم سیاسی (ارجاف) در فقه اسلام» که تلاش کرده موضوع «ارجاف» را به عنوان پدیده‌ای سیاسی بررسی کند. لیکن، از این جهت که آن را مخالفت در برابر حکومت اسلامی و امام معصوم (سلام الله علیه) دانسته است، به خطا می‌رود. همچنین مقاله «مواجهه با چالش امنیت روانی از منظر آیات ۶۰ تا ۶۲ سوره احزاب» تلاش می‌کند به راهبردهایی در مواجهه با اخلال در امنیت روانی دست یابد. مقاله‌ای با عنوان «واکاوی حکم اخلال گران و توطئه گران» از آقای بلال شاکری در مجله دانشگاه کوفه منتشر شده که با استناد به دو آیه شریفه ارجاف تلاش در اثبات حد شرعی برای عنوان محرم «ارجاف» داشته است. در این مقالات، به قصدی بودن عنوان «ارجاف» اشاره نشده و همین امر می‌تواند اخلال در استفاده فقهی از آیات را موجب شود.

علاوه بر این مقالات، مجموعه‌ای با عنوان «اصطلاحات نظامی در فقه اسلامی» توسط عده‌ای از نویسندگان تدوین شده و به مختصر به اصطلاح «ارجاف» پرداخته است. همچنین در موسوعه فقه اسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام مقاله‌ای با همین عنوان نگاشته شده و حرمت آن و مجازات مترتب بر آن را بررسی کرده است.<sup>۱</sup> لیکن، چنان که بعداً خواهد آمد، برخی از نتایجی که در این مقاله طرح شده است، مخدوش بوده و مجال نقد و ردّ دارد.

۱. هاشمی شاهرودی، موسوعه فقه اسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت عليهم السلام، ج ۹، ص ۴۲۸.

علاوه بر متون فقهی، باید به قوانین حقوقی نیز نظر داشت. از منظر قانون اساسی، ذیل اصل ۱۵۶ که فصل مربوط به قوه قضائیه است و یکی از وظایف این قوه «احیای حقوق عامه» دانسته شده که در ضمن آن «حق امنیت روانی» نیز مندرج است. همچنان که اصل ۲۲ در فصل حقوق ملت که می‌گوید: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند، می‌تواند متضمن حق امنیت روانی هم باشد. با این همه یک قانون جامع با موضوعیت «حق امنیت روانی» تدوین نشده است، درحالی که اهمیت بالای این موضوع ضرورت چنین اقدامی را اثبات می‌کند.

نگارنده، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی - اجتهادی تلاش دارد به جمع‌بندی فقهی در خصوص مجازات «إرجاف» دست یابد. از این رو، ابتدائاً مفهوم‌شناسی «إرجاف» انجام پذیرفته و قصدی بودن آن عنوان تحلیل شده و در نهایت مجازات موجود در دو آیه مذکور استنباط می‌شود.

## ۱. مفهوم‌شناسی عنوان «إرجاف»

فراهیدی صاحب کتاب *العین*، عبارت «رجف الشیء» را به تکان خوردن‌های شتر زیر جهاز و تکانه‌های درخت با باد معنا کرده است. همچنین آنگاه که ریشه‌های دندان بیرون می‌آید یا زمین بر اثر زلزله می‌لرزد، به اینها «رجف» گفته می‌شود.<sup>۱</sup> ابن فارس هم از آن به «اضطراب» تعبیر می‌کند.<sup>۲</sup> صاحب کتاب *الفروق فی اللغة* نیز توجه خوبی داده و مرز مفهومی میان «رجفه» و «زلزله» را این گونه بیان می‌کند که رجفه به «زلزله عظیم» اطلاق می‌شود و در خصوص پس‌لرزه‌های خفیف از کلمه «زلزله» استفاده می‌شود.<sup>۳</sup> وقتی به استعمالات این ماده در آیات قرآن مراجعه می‌کنیم، همین شدت معنایی در آن معلوم می‌گردد:

«فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ»<sup>۴</sup> سرانجام زمین‌لرزه آنها را فرا گرفت و صبحگاهان، (تنها) جسم بی‌جانشان در خانه‌هاشان باقی مانده بود».

«يَوْمَ تَرُجُّفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيًّا مَهِيلاً»<sup>۵</sup> در آن روز که کوه‌ها و زمین سخت به لرزه درمی‌آید، و کوه‌ها (چنان در هم کوبیده شود که) به شکل توده شن درمی‌آید».

۱. فراهیدی، *العین*، ج ۶، ص ۱۰۹.

۲. ابن فارس، *معجم مقائیس اللغة*، ج ۲، ص ۴۹۱.

۳. *عسکری، الفروق فی اللغة*، ص ۲۹۸.

۴. *سوره الأعراف*، آیه ۷۸.

۵. *سوره المزمّل*، آیه ۱۴.

همان‌طور که پیداست، ماده «رجف» در این دو آیه قرآن، به معنای «زلزله شدید» استعمال شده است و این خود حکایت از همان شدتی دارد که در معنای لغوی طرح شد.

حال که معلوم گردید معنای «رجف» اضطراب و تکانه شدید است، معنای «إرجاف» نیز واضح می‌شود. ابن فارس، این واژه را که در آیه شریفه استعمال شده این‌طور معنا می‌کند: ارجاف در جایی استعمال می‌شود که مردم در یک موضوعی خوض کرده و داخل شوند و اضطراب پیدا کنند.<sup>۱</sup> جناب راغب اصفهانی نیز در ترجمه آن می‌گوید: «ارجاف یعنی ایجاد رجفه؛ یا به وسیله ابزار زبانی یا با اعمال و رفتار».<sup>۲</sup> با این وصف، ارجاف به معنای ایجاد تکانه‌های شدید و اضطراب در میان مردم است.

علی بن ابراهیم قمی نیز در بیان شأن نزول آیه در تفسیر خود چنین می‌آورد که منافقین در مدینه، هنگام خروج رسول الله (ص) برای امر جهاد، اخباری را در خصوص قتل یا اسارت ایشان پخش می‌کردند که موجب «پریشانی مسلمین» می‌گردید. مسلمانان بدین خاطر به رسول گرامی اسلام شکایت بردند که آیه شریفه در خصوص این عمل منافقین نازل گردید.<sup>۳</sup>

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۹۱.

۲. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۳۴۴.

۳. قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۱۹۶.

## ۱.۱. عدم انحصار عنوان «إرجاف» در نقل خبر

با این گزارشی که از کتب لغت صورت گرفت و توجهی که به استعمالات آن در آیات قرآن رفت، می‌توان به این نکته وقوف پیدا نمود که واژه «إرجاف» دارای معنایی وسیع است و هر آن چیزی را که موجب از بین رفتن آرامش و امنیت روانی مردم شده و آنها را به اضطراب شدیدی مبتلا سازد، داخل در محدوده مفهومی این کلمه می‌شود؛ یعنی همان معنایی که راغب اصفهانی در مفردات بیان داشت و نقل آن گذشت. بنابراین، بیان برخی مفسرین در تفسیر این کلمه و تزییق آن به محدوده خبر صحیح نیست؛ مانند آنچه در تفسیر *جوامع الجامع* آمده است: «اصل کلمه "مرجفون" از "رجفه" است که به معنای "زلزله است"؛ زیرا در حقیقت خبری است که متزلزل است و ثبات ندارد».<sup>۱</sup>

## ۱.۲. عدم انحصار عنوان «إرجاف» در موضوع جهاد

مبنتی بر این نتیجه، حصر عنوان «إرجاف» در موضوع جهاد نیز پذیرفته نخواهد بود؛ چنان که در برخی متون فقهی، این عنوان را این گونه تعریف کرده‌اند: «ارجاف این است که بگوید: به من خبر رسیده است که دشمنان کمین کرده‌اند یا اینکه به آنها کمک رسیده است و نظیر این موارد در صحنه جنگ».<sup>۲</sup>

«مرجف کسی است که بگوید: لشکر مسلمانان هلاک شده و نابود شدند».<sup>۳</sup>

۱. طبرسی، *جوامع الجامع*، ج ۳، ص ۳۳۳.

۲. طوسی، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، ج ۲، ص ۷؛ ابن براج، *المهذب*، ج ۱، ص ۲۹۷.

۳. حلی، *قواعد الأحکام*، ج ۱، ص ۴۸۷.

هر چند فقها این عنوان را متناسب با کتاب جهاد، به این صورت تفسیر کرده‌اند، لیکن دامنه مفهومی آن موسّع بوده و همان‌طور که در بررسی آیه مربوطه خواهد آمد، هیچ قرینه‌ای برای تضییق آن و تحدید به حدود جهاد وجود ندارد و شأن نزول نیز مُخصّص آن نمی‌تواند باشد.

### ۱.۳. قصدی بودن عنوان «إرجاف»

در بررسی‌های فقهی و حقوقی، عناوین افعال را به دو دسته قصدی و واقعی تقسیم می‌کنند. مقصود از عناوین قصدی، آن عناوینی هستند که تحقق آنها در خارج و صدق عنوان بر فعل خارجی منوط به قصد فاعل است. یعنی، اگر فاعل قصد چنین فعلی را داشته باشد، می‌توان گفت آن فعل در خارج محقق شده است. مانند عنوان «تعظیم» که اگر کسی قصد بزرگداشت دیگری را داشته و به احترام او تا کمر خم شود، می‌شود گفت عنوان «تعظیم» در خارج محقق شده است. اگر چنین قصدی نداشته و فقط خم شده باشد، نمی‌توان گفت این عنوان در خارج محقق شده است.

درباره عنوان «إرجاف» نیز باید به این نکته توجه نمود که با نظر به لغت و عرف و ظاهر آیه شریفه این گونه به دست می‌آید که این عنوان نیز از عناوین قصدی است. یعنی اگر کسی قصد برهم زدن امنیت روانی مردم را داشته و سپس اعمالی را انجام دهد، می‌توان فعل ارجاف را به او نسبت داد و این گونه نیست که گفته شود چون امنیت روانی مردم برهم خورده، پس عنوان «إرجاف» در خارج محقق شده است. بلکه، باید فاعل قصد ارجاف را داشته باشد تا بتوان صدق آن عنوان بر فعل را پذیرفت.

در لغت، صاحب‌العین، این کلمه را این‌گونه ترجمه می‌کند: «ارجاف کردند: در اخبار فتنه‌انگیز خوض کردند».<sup>۱</sup> در توضیح این ترجمه باید به این دوگانه توجه نمود: کسی که وارد در اخبار فتنه‌انگیز می‌شود و در آنها غوطه‌ور می‌گردد، طبعاً از ماهیت اخبار فتنه‌انگیز و آثار آن بر مردم اطلاع دارد و در این صورت محال است که در نقل این اخبار هیچ قصدی نسبت به آثار آن نداشته باشد. راغب اصفهانی هم در مفردات می‌گوید: «ارجاف: ایجاد رجفه است؛ یا با فعل یا با قول».<sup>۲</sup> این معنا با قصد و عدم قصد سازگار است. ایجاد، به معنای به وجود آوردن اثر و نتیجه‌ای است که در نقل اخبار و شایعات حاصل می‌شود. پرواضح است که ایجاد یک اثر، می‌تواند بدون علم و آگاهی نسبت به آن اثر و قصد به وجود آوردن آن اثر نیز رخ دهد.

فهم عرفی و استظهار عرفی از آیه شریفه موافق با قصدی بودن این معناست؛ زیرا اگر مرجف آگاه به آثار نباشد، لیکن این ادعا مطرح شود که با صرف تحقیق آثار بدون علم به آنها و قصد آنها، مجازات مذکور در آیه مترتب می‌شود، قابلیت التزام عرفی ندارد. بنابراین می‌توان گفت: ارجاف دارای دو صنف است: ۱. عملی آگاهانه و قاصدانه، ۲. عملی ناشی از بی‌اطلاعی و بدون قصد همراه با آثار. لیکن، مناسبات میان حکم و موضوع، این نتیجه را به ما آشکار می‌سازد که آیه فقط آن صنف اول را اراده کرده و موضوع عقوبت، عملی است که شخص مرتکب علم به آثار و قصد آن آثار را داشته باشد.

۱. فراهیدی، العین، ج ۶، ص ۱۰۹.

۲. راغب اصفهانی، المفردات، ص ۳۴۴.

با این بیان، تکلیفِ واژه «إرجاف» از نظر لغوی معلوم نمی‌شود، لیکن به جهت متعلق حکم فقهی روشن می‌شود که اراده جدی شارع به چه حصه‌ای تعلق گرفته است. علاوه بر اینکه این نتیجه موافق با احتیاط نیز است؛ زیرا اجرای احکام سنگین در خصوص کسانی که از روی حواس پرتی، نقل اخبار کذب و شایعات کرده و موجبات ناامنی روانی مردم را فراهم کرده باشند، خلاف احتیاط در دماء و نفوس است.

در انتهای این دو بخش ممکن است در خصوص استدلال به لغت، اشکال و تردید گردد. از این رو استدلال اصلی بر استظهار عرفی و مناسبات حکم و موضوع قرار خواهد گرفت. ذکر لغت از باب شاهد و مؤید در ادعای قصدی بودن عنوان «إرجاف» طرح می‌شود.

## ۲. عناوین مرتبط

در متون فقهی، به خصوص در مباحث مرتبط با جهاد، عنوان دیگری نیز وجود دارد که به لحاظ تأثیری که در روحیه مسلمانان دارد، نزدیک به عنوان «ارجاف» است و آن هم عنوان «تخذیل» است. این کلمه را در کتب لغت به «به خواری و خذلان کشاندن فرد» معنا کرده‌اند.<sup>۱</sup>

همین معنای لغوی در بحث جهاد نیز مورد استعمال فقها قرار گرفته است. به عنوان نمونه شیخ طوسی، تخذیل را این‌طور معنا می‌کند که شخص مُخَذَّل به مسلمانان می‌گوید: «درست آن است که از جهاد برگردیم؛ چراکه ما طاقت و توان مقابله با دشمن را نداریم. به سبب سخنان این فرد روحیه مسلمانان در برابر دشمنان تضعیف می‌شود».<sup>۲</sup>

علامه حلی بر آن است که دو عنوان «مُخَذَّل» و «مُرجف» به دلیل تخذیل و ارجاف، نه خودشان و نه مرکبشان، هیچ سهمی از غنائم جنگی ندارند.<sup>۳</sup> علاوه بر اینکه اگر امام او را نهی از خروج کرده باشد، ولی او به جهاد بیاید، جواز تعزیر او را دارد و اگر امام او را امر به خروج یا نهی از خروج نکرده باشد، لیکن او به جهاد بیاید مستحق «الرَّضخ» (عطای قلیل) هم نیست؛ زیرا، او اهل دفاع از دین نبوده و متهم به خیانت به مسلمین است.<sup>۴</sup>

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۰۲.

۲. طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۲، ص ۷.

۳. حلی، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه، ج ۲، ص ۱۸۹.

۴. حلی، تذکرة الفقها، ج ۹، ص ۵۳.

### ۳. احکام فقهی ارجاف

مستندی که برای استنباط احکام فقهی «ارجاف» مورد نظر است، همان دو آیه شریفه‌ای است که در صدر این مقاله آمد. پیشتر به نقل از تفسیر قمی، شأن نزول این آیه هم گذشت که درباره گروهی از منافقین نازل شده است که با انتشار اخبار اسارت یا قتل رسول الله (ص) موجب پریشانی مسلمانان می‌گشتند.<sup>۱</sup>

با نظر به همین دو آیه شریفه، هیچ تردیدی در حرمت شدید این فعل باقی نمی‌ماند: «لَنْ لَمْ يَنْتَه الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنْ يَغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقِفُوا أَخَذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا».<sup>۲</sup>

علامه طباطبائی در معنای این دو آیه چنین می‌فرماید:

قسم می‌خورم اگر منافقین و کسانی که بیماری قلبی دارند و اخبار دروغ را به قصد ایجاد اضطراب میان مسلمانان منتشر می‌کنند، از این عمل باز نایستند، تو را علیه آنها می‌شورائیم، سپس به دلیل نفی و تبعید آنها از شهر، فقط مدت خیلی در مدینه - در بازه زمانی صدور امر و فعلیت اجرای آن - در مجاورت با تو می‌مانند. آنها در حالی که ملعون و مورد طرد از رحمت الهی هستند، هرجایی که یافت شوند، بازداشت شده و به قتل می‌رسند.<sup>۳</sup>

۱. قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۹۶.

۲. سوره الأحزاب، آیات ۶۰-۶۱.

۳. طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۴۰.

استنباط احکام فقهی از این آیه در دو مرحله انجام می‌گیرد:

**مرحله اول: استنباط حکم فقهی عمل «إرجاف»**

**مقدمه اول:** پیرامون سه عنوان «الْمُنَافِقُونَ» و «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» و «الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ» در آیه شریفه دو احتمال مطرح است:

احتمال اول، مرگب بودن این عناوین است؛ به این معنا که وجود نفاق با قلب مریض و ارجاف، موضوع احکام است. احتمال دوم، استقلال عناوین است. در این صورت، هر کدام از عناوین بالاستقلال موضوع احکام هستند و تحقق سایر عناوین در ترتب احکام و عقوبات دخالت ندارد. در احتمال اول، عنوان «إرجاف» جزء العلة بوده و در ترکیب با دو عنوان دیگر، موجب ترتب احکام می‌شود. اما در احتمال دوم، صرف تحقق عنوان «إرجاف» برای ترتب احکام کافی است. ظاهر برخی تفاسیر، احتمال اول را تقویت می‌کند؛ مانند طبرسی در مجمع البیان که مرجفون را به منافقینی که اخبار دروغین را منتشر می‌کردند، تفسیر می‌کند.<sup>۱</sup> اما آنچه از تأمل در آیه به دست می‌آید، ظاهر این است که هر کدام از این عناوین مستقل از دیگری بوده و این آیه به سه دسته از مردمان اشاره می‌کند؛ زیرا ظاهر اولیه از عطف با حرف «واو» تکثیر و تغایر میان معطوف و معطوف<sup>۲</sup> علیه است. آلوسی نیز در روح المعانی به همین نکته تغایر در عطف تصریح می‌دارد.<sup>۲</sup> لذا به دلیل اینکه قرینه‌ای هم در آیه وجود ندارد، بنا بر همان تغایر میان سه دسته از مردمان گذاشته می‌شود.

۱. طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۸۰.

۲. آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۱، ص ۲۶۵.

ظاهر تفسیر تبیان نیز تفکیک میان این سه گروه است: «سپس، به نبی (ص) فرمود: "لَنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ" یعنی اگر منافقین از کار خود بازنگردند، "وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ" یعنی شک و نفاق و گفته شده است: شهوت زنا. "وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ" ارجاف، اشاعه باطل برای ایجاد غم است و مرجفین کسانی بودند که اخبار دروغین را منتشر می کردند تا قلوب مؤمنین آشفته گردد».<sup>۱</sup>

علاوه بر اینکه این سه عنوان به سه حیثیت اشاره می کنند که متباین از همدیگر هستند و مانعی از تفکیک حیثیات نیز وجود ندارد. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه ابتدائاً آیه را براساس تفکیک میان سه گروه معنا کرده، سپس به این احتمال هم توجه می دهد که امکان دارد افعال تخریبی مذکور همه از ناحیه منافقین انجام بگیرد، لیکن تفکیک در اوصاف صورت گرفته باشد نه در اشخاص.<sup>۲</sup> حتی اگر این احتمال هم پذیرفته افتد، باز می توان حیثیت «ارجاف» را بالاستقلال لحاظ نمود.

**مقدمه دوم:** در برخی تحقیقات معاصر، با وجود اذعان به حرمت شدید «ارجاف»، آن را عنوان مشیر به «إضرار به مسلمین»، «نگاهداشتن آنها از جهاد» دانسته و عنوان مستقل بودن آن را رد کرده اند.<sup>۳</sup> به نظر می رسد این جمع بندی صحیح نیست؛ زیرا هم واژه «ارجاف» حکایت از مفسده مستقلی دارد و هم ظاهر آیه شریفه این نکته را منتقل می سازد که این فعل برای شارع مقدس موضوعیت دارد؛ حتی اگر به واسطه ارجاف اضراری به دیگران نرسد یا ممانعت از جهاد صورت نگیرد.

۱. طوسی، تفسیر التبیان، ج ۸، ص ۳۶۱.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۳۰.

۳. هاشمی شاهرودی، موسوعه فقه اسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (علیهم السلام)، ج ۹، ص ۴۲۹.

بنابراین عمل «إرجاف» مستقلاً و بدون ارجاع به عناوین دیگری موضوع حرمت شذیده است.

### مرحله دوم: استنباط عقوبتِ عملِ «إرجاف»

استنباط عقوبتی که در دو آیه شریفه آمده است، در دو مرحله انجام می‌گیرد: ابتدائاً وجود دو حکم در دو آیه شریفه اثبات می‌شود، سپس نسبت میان دو حکم بیان می‌گردد.

**مقدمه اول:** ظاهر این دو آیه این است که مستقل از همدیگر هستند. مجازاتی که در برابر اقدامات مرجفون آمده، نفی بلد و قتل است. نفی بلد و اخراج از مدینه در این فقره بیان می‌گردد: «لُنْغَرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا». این فقره، به این معناست که دستور اخراج از سوی خداوند متعال به پیامبر می‌رسد و آنها از مجاورت با رسول خدا محروم می‌شوند که به معنای اخراج از مدینه است. اما مجازات «قتل» در آیه بعدی آمده است: «مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقُفُوا أُخْذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا». در این فقره آمده است هر جایی که دسترسی به آنها باشد، بازداشت شده و به قتل می‌رسند. صاحب مجمع البیان، به گونه دیگری این دو آیه را معنا نموده است که تأثیر مستقیمی در استنباط عقوبتِ عمل دارد. او می‌گوید: «معنا این است: تو را امر می‌کنیم به قتل آنها تا آنها را بگشی و مدینه را از وجودشان خالی کنی و این گونه اغراء به آنها حاصل شود... «ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا» یعنی آنها فقط به مدت کمی در مدینه ساکن می‌شوند و آن هم در بازه زمانی میان امر به قتل و کشته شدن آنها»<sup>۱</sup>.

۱. طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۵۸۱.

همان‌طور که پیداست، شیخ طبرسی آیه ۶۰ را به گونه‌ای معنا نموده است که عقوبت مستقلی با عنوان «تبعید» از آن استفاده نمی‌شود. به نظر می‌رسد این معنا با ظاهر آیه سازگار نیست؛ زیرا آیه ۶۰ فقط اغراء پیامبر اکرم (ص) علیه آنها و سپس عدم سکونت آنها در مدینه را می‌گوید و قتل آنها در آیه بعدی هم آمده است و ضرورتی به افزودن قتل در آیه پیشین نیست. ظاهر تفسیر علی بن ابراهیم قمی نیز ترجمه آیه اول به (نفی بلد) بدون قتل است: «أَنْزَلَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ "لَنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ إِلَى قَوْلِهِ" ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا أَى نَأْمُرُكَ بِإِخْرَاجِهِمْ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تُقَفُّوا أَخَذُوا وَقَتَّلُوا تَقْتِيلًا»<sup>۱</sup>.

همان‌طور که پیداست، علی بن ابراهیم قمی آیه قبلی را این‌گونه معنا کرده است: «تو را امر می‌کنیم به اخراج آنها الا افراد کمی که ملعون هستند و آنها هر جا یافت شوند باید کشته شوند». طبق این معنا موصوف وصف قلیل افراد می‌باشد نه زمان؛ درحالی که در کلام علامه «قلیلا» به زمان قلیل معنا شده بود.

از آنجا که آیه ۶۰ در کنار آیه ۶۱ با معنایی که در تفسیر علی بن ابراهیم مطرح شده انسجام یافته و شبهات و ابهامات را از بین می‌برد، تردیدی باقی نمی‌ماند که ظهور این دو آیه همین است و معنایی که بدو به ذهن می‌رسد، مبنی بر اینکه قلیلا وصف زمان است صحیح نخواهد بود؛ زیرا در این حالت دو مفاد متضاد اخراج و قتل به دست می‌آید که توجیه آن ممکن نیست مگر با احتمالات خلاف ظاهر و این در حالی است که معنای علی بن ابراهیم این ابهامات را از بین برده است.

مقدمه دوم: بنا بر اینکه تداخل دو عقوبت در همدیگر صحیح نیست، از نسبت میان دو حکم پرسش می‌شود. آیت‌الله مکارم شیرازی بر آن است که دو احتمال مطرح است که منافاتی با هم ندارند: «در خصوص مجازات مذکور در آیه، دو احتمال مطرح است: یا به این معناست که منافقین از شهر تبعید می‌شوند و آنها را در بیرون از شهر تعقیب کرده و به قتل می‌رسانند، یا اینکه اگر آنها با وجود دستور به اخراج از شهر باقی ماندند، مورد تعقیب قرار گرفته و به قتل می‌رسند»<sup>۱</sup>.

به نظر می‌رسد می‌توان احتمال دوم را تقویت نمود. توضیح مطلب اینکه آیه ۶۱ به گونه‌ای در ادامه آیه ۶۰ آمده است و همان طوائف سه گانه را موضوع حکم قرار می‌دهد. لذا حکم قتل نیز مترتب بر «إرجاف فی المدینه» خواهد بود؛ یعنی کسانی که ارجاف آنها در داخل شهر است. پس، به جهت تحفظ بر وحدت موضوع و تعدد حکم، این معنا تقویت می‌شود که آنها ابتدائاً از شهر اخراج می‌شود، چنانچه در شهر باقی ماندند، مورد تعقیب قرار گرفته و به قتل می‌رسند. اما احتمال دوم، قابل تأیید نیست؛ زیرا برای پذیرش آن لازم است که در ظاهر دو آیه شریفه قرینه‌ای وجود داشته باشد که ابتدائاً تبعید و سپس تعقیب در بیرون شهر و قتل آنها را بیان کند که چنین قرینه و لفظی وجود ندارد.

لازم است در مقام نکته‌ای مطرح شود؛ مجازاتی که در دو آیه شریفه تعیین شده است، می‌توان از آن به «عقوبت مقدره» تعبیر نمود. اگر چنین باشد، توقع می‌رود که سخن از «حد ارجاف» برود. لیکن، از آنجا که فقها به این موضوع نپرداخته و از آن در دایره حدود یاد نکرده‌اند، ضرورتی به طرح این مسئله نیست و چنانچه حقیقه بودن آن اثبات شود، کفایت می‌کند.

۱. مکارم شیرازی، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱۳، ص ۳۵۲.

#### ۴. شبهه انحصار حکم در عصر نبوی

و اما شبهه‌ای که در خصوص این احکام فقهی ممکن است مطرح شود مبنی بر اینکه این احکام به عصر نص و دوران نبوی اختصاص دارد، به این معنا که آیه شریفه به یک واقعیت خارجی در شهر مدینه اشاره کرده و مجازات منافقین در آن خصوص را بیان می‌دارد، قابل پاسخ است. پاسخ به این اشکال با بیان دو نکته واضح می‌شود:

اول: مخاطب آیه، مخاطب شخصی است و این امر می‌تواند خارجیه بودن را تقویت نماید، لیکن موضوع آیه که بیان حرمت شدید ارجاف و عقوبت مترتب بر آن است، به عصر نص و شأن نزول آن اختصاصی ندارد. یعنی اگر امکان حقیقیه بودن حکم فراهم باشد، مخاطب شخصی مانع از آن نخواهد بود. با توجه به معنای «ارجاف» واضح می‌گردد که مفسده موجود در آن موقت نبوده و اختصاصی به عصر صدر اسلام ندارد. لذا مفسده ارجاف مقتضی حقیقیه بودن حکم و عقوبت مترتب بر آن است و مخاطب شخصی نیز مانعی از تأثیر این اقتضا ندارد.

دوم: این آیه متضمن دو عقوبت است که مرتبط با شأن شاریت باری تعالی است و اقتضای این شأن اصدار احکام حقیقیه شرعیه است و خارجیه بودن خلاف اصل است.

سوم: آیه بعد از این دو آیه، قرینه‌ای است بر حقیقه بودن و عدم اختصاص دو عقوبت مذکوره به صدر اسلام: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا».<sup>۱</sup> این آیه به سنت و رویه ثابت بودن دو عقوبت پیشین نسبت به آن اصناف سه‌گانه اشاره می‌کند. برخی فقها در کتب تفسیری خود نیز به این آیه اشاره کرده و از آن حقیقی و جدی بودن تهدید را استفاده کرده‌اند.<sup>۲</sup>

۱. سوره الأحزاب، آیه ۶۲.

۲. مکارم شیرازی، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱۳، ص ۳۵۳؛ مدرسی، تفسیر هدایت، ج ۱۰، ص ۳۱۲.

## توصیه‌های سیاستی

با عنایت به یافته‌های این پژوهش مبنی بر گسترده‌گی مفهومی «ارجاف»، قصدی بودن این عنوان و شدت مجازات‌های پیش‌بینی شده برای آن در شریعت، توصیه‌های سیاستی زیر جهت بهره‌برداری در نظام تقنینی و اجرایی کشور پیشنهاد می‌گردد:

۱. **تدوین قانون جامع امنیت روانی:** موضوع «امنیت روانی» به‌عنوان یکی از مصادیق مهم حقوق عامه، نیازمند بسته تقنینی منسجم و جامع است. پیشنهاد می‌شود قوانین پراکنده موجود در زمینه نشر اکاذیب، تشویش اذهان عمومی و جرائم مشابه، ذیل یک قانون مادر با محوریت «صیانت از امنیت روانی جامعه» جمع و بازنگری شوند.

۲. **جایگاه محوری مفهوم «ارجاف»:** با توجه به مبانی شرعی و ظرفیت بالای فقهی، شایسته است عنوان «ارجاف» به‌عنوان مفهوم مرکزی و هسته اصلی «قانون جامع امنیت روانی» در نظر گرفته شود تا ضمن تضمین انطباق قانون با شرع، از عمق تحلیلی این واژه قرآنی بهره‌برداری شود.

۳. **تصریح بر عنصر «قصد مجرمانه»:** یافته کلیدی این مقاله، قصدی بودن عنوان ارجاف است. هرگونه تقنین در این حوزه باید به‌صراحت، اثبات «قصد اخلال در امنیت روانی» را شرط تحقق جرم بداند. قانون باید سازوکارهای دقیقی برای احراز این قصد پیش‌بینی کند تا از تعمیم حکم به تحلیل‌های کارشناسی اشتباه، ابراز نگرانی‌های صادقانه یا نقدهای غیرمغرضانه جلوگیری شود و مرز میان ارجاف مجرمانه و آزادی بیان و نقد محفوظ بماند.

۴. ایجاد تناسب و درجه‌بندی مجازات: با توجه به شدت بالای مجازات‌های مذکور در آیه شریفه (تبعید و قتل) که ناظر به شرایط بحرانی صدر اسلام و برخورد با ستون پنجم دشمن است، نظام تقنینی باید مجازات‌ها را متناسب با شرایط زمان و مکان، میزان تأثیرگذاری، گستردگی عمل مجرمانه و وضعیت جامعه (جنگ یا صلح) درجه‌بندی کند. پیشنهاد می‌شود مجازات‌های تعزیری متناسبی از جزای نقدی و حبس تا مجازات‌های شدیدتر برای موارد حاد و سازمان‌یافته که امنیت ملی را به خطر می‌اندازد، تعریف گردد.

۵. تعیین سازوکار قضایی شفاف: به دلیل حساسیت موضوع و احتمال سوءاستفاده از این عنوان برای تحدید آزادی‌های مشروع، ضرورت دارد فرایند دادرسی، مرجع صالح قضایی (مانند دادگاه‌های ویژه با حضور کارشناسان رسانه و امنیت) و استانداردهای اثباتی برای این جرم به طور شفاف و دقیق در قانون مشخص شود تا حقوق متهمان کاملاً تضمین گردد.

## منابع

### قرآن کریم

آلوسی، محمد بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ هـ.ق.

ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ هـ.ق.

ابن منظور، ابو الفضل، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.

ابن براج، عبدالعزیز، المهدب، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ ق.

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، لبنان، دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.

۲. حلّی، حسن بن یوسف، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، نشر دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

حلّی، حسن بن یوسف، تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم، نشر مؤسسه امام صادق سلام الله علیه، ۱۴۲۰ ق.

حلّی، حسن بن یوسف، تدرکة الفقهاء، قم، نشر مؤسسه آل البيت سلام الله علیهم، ۱۴۱۴ ق.

طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، نشر مؤسسه اسماعیلیان،

بی تا.

طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۴ق.

طبرسی؛ فضل بن حسن، *مجمع البیان*، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.  
طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران، نشر المكتبة المرتضویة، چاپ سوم، ۱۳۸۷ق.

طوسی، محمد بن حسن، *التیان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.

فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.  
قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، چاپ سوم، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.  
مدرسی، سید محمد تقی، *تفسیر هادیت*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.  
مکارم شیرازی، ناصر، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم، مدرسه علی بن ایطالب علیه السلام، ۱۴۲۱ق.

مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ ۳۲، ۱۳۸۰ش.

هاشمی شاهرودی، سید محمود، *موسوعه فقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البیت علیهم السلام*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۳ق.



گزارش راهبردی

